

مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبرها

۱۳

این مجموعه با اجازه محفل هند بر روی مانی ملی ایران
شود. انچه ارکانه بنسب او معذوف و بنظیر حفاً تکثیر
ند، است و بی ارانتخابات مجموعه اموی نسی باشد
نویسندگان: = = = = =

مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء

- ۱ م ای یاران حقیق الواح مطبوره و اوراق منشوره و اسماء مذکوره
کلیه ببقعه مبارکه و اصل ملاحظه گردید
- ۵ م یا من تثبت بالعروجه الوثقی خوفاً بحال حقایق کدر محفل
جناب اسدالله از خدا بخواه که چون اسد ضاری
- ۶ م ای شمع انروخته عشق الهی چون پیر صومعه محبت الله
- ۷ م یا من تمک بالهروجه الوثقی آنچه مرقوم فرموده بودید ملاحظه گردید
- ۸ م ای مشهور شهر محبت الله قومی از باده غلادی
- ۹ م یا من اذخره الله لحفظ المیناق
- ۱۱ م ای بلند همت بلندی همت را میزانی
- ۱۱ م ایها الفرج الکریم من سدره السینا قد قضت السنون والشهور
- ۱۳ م ای غریب کرم وقت آنست که چون سیف شاهر کردی
- ۱۴ م ای شمع روشن در محفل یاران هر بامداد که این گوکب غاوری
- ۱۵ م ای دو مرغ حدائق میناق
- ۱۷ م رب و رهائی هذا عبوک الرقیق
- ۱۹ م ای مهتدی بتار سوده الهیه
- ۲۰ م ای مجذوب بنفحات عرفات در عالم وجود
- ۲۱ م ای ثابت بر عهد و میناق جمال مبارک روحی لاجبائه النابتین
- ۲۲ م ای ناظر به ملکوت ابری در ایام عهد و عصر که نفحات قدس

- p 23 ای کوکب بروج بلاغت اهل نجوم گویند یعنی ریاضیون قدیم که
- p 24 یا ابا الفضائل وامه واجیه هندیت که بوی خوش معانی
- p 29 رساله استدلالیه که از اثر خاتم آن مجاز پاک بود قرائت و تلاوت شد
- p 30 ای گلچستان محبت شمع میثاق در زبانه فواد
- p 31 ای یوسف فارسی عزیز مصر میثاق در دست
- p 32 ای بنده جمال قدیم در این ساعت که مرکز میثاق در نهایت استیاق
- p 33 ای یارات چه خوش بنت و بلند اختر و همایون طالع بودید
- p 34 ایها الفرج البدر من السدر الرمانیه
- p 37 ای بنده درگاه جمال ایمن آنچه بگوئی جز آیت الطاف عدم نیامی
- p 38 ای بلبل باغ بگوشن سرای عتبه مقدسه پرواز کن
- p 38 ای خدا مرغان ما کنه کاریم و تو آموزگار و ما تبه کاریم
- p 39 ای ای هولاء عباد توبه هوا ای ملکوت رها نیتک
- p 41 [قزوین] ایها الحقایق المنبذبه بنفحات ریاض المیشاق
- p 42 یا من توبه ای ملکوت الایمن و بشر میثاق الله
- p 43 از ثبوت و رسوخ اعتبار ای مرقوم نموده بودید
- p 44 ای غصنفر ای حیدر وقت تیری است
- p 44 ای یاران من ای دوستان من هر چند بلا و محن عبد البها
- p 47 ای ربه هولاء عبادم اضرمت فی قلوبهم نیران محبتک
- p 48 ای دوستان جمال قدیم عصر عصر انجذاب است و چون قون حفرت ^{در الارباب}
- p 49 ای بندگان آستان جمال ایمن خدا را که بجز الطاف بر هیچانست

- p50 یا من توجه انی وجه اضواء ولاح واشرق به الافاق
- p52 ای طبیب ای حبیب اطباءی جسمانی چون مرض را تسخیر دهند
- p53 ای بنده طلعت ابهری یوسف مهری در بازار جلوه نمود
- p53 ای دوستان ثابتان بر عهد و پیمان صدبشارت که
- p54 ای بندگاک شمس حقیقت در صوامع ملکوتی قرآنی آیات توهد نماید
- p55 ای زائر مسکین نفس الحمد لله از نفس هجران پروری و بسر منزل ^{جانان}
- p56 ای دوستان حضرت یزدان جناب شهیدی یوسف در آستان مقدس
- p58 ای امان جمال قدم صر چند در کور قرآن طائفة نساء جنس ضعیف شمرده شوند
- p59 ای سلیله های آن سرور شهیدان
- p60 ای یاران حق وقت عصر است و آفتاب پر توئی در تناقص
- p61 ای بنده جمال قدم در جمیع امور متوسل به علی قیوم شو
- p62 یا من توفیق بالتوجه الی الافق الابهری تالله الحق ان الامکان
- p63 ای بنده رب قدیم و نسیاط این اقلیم در بازار ملکوت داخل شو
- p64 ای بنده حق خویش باش که در چنین عصر جدیدی و قرن میسری
- p65 ای احبای الهی و دوستان جمال دهمانی کو عظیم و ظهور رب قدیم
- p67 ای عندیوب صدیقه معانی ای بجای تو خالی در بقعه برضا
- p68 یا من از ملکوت اعلی مرده عنایت می رسد و از جبروت ابهری نسیم
- p69 یا من استسقی من معین الایمان واستضاء من نور مبسح الرحمن
- p70 یا انت ملاذی و معاذی اتفرع الیک تفریح العانی
- p71 ای بنده مبتهل انی الله

- p 71 ای شیدا تیان رقی دیر الہی آن یار دلنشین چون شاد دناز این
- p 72 ای دوستان جمال رشتی و یاران حضرت یزدان بزبان جولانگاہ و یاران
- p 73 ای خادم ایران الیوم هرکس خدمت
- p 74 ای نابلق بنمای منق و بلبل آویامی فوق علیک برہاد اللہ و نثائے
- p 76 ای دوستان حضرت عثمان صد ہزار بشارت از ملکوتیہ (ابہی) در ہر
- p 78 ای سماع محبت اللہ ہر سر ہا بی را نوری و ہر کو کی را ظہوری
- p 79 ای قائم پہ خدمت ریوضۃ مقدسیہ این خدمت تاجی است کہ از آسمان
- p 80 ای سید جلیل فی الدقیقۃ عوفی
- p 81 ای امہ الحق چہ غمخیز بخت زنی بردی کہ در عصر جمال قدم
- p 81 ای فائز بہ عوفان حضرت رحمن الیوم نور ودیانت لیری اعظم و برادرب
- p 82 ای اسمعیل جلیل جمیع یاران الہی باید ذبیح الہی باشند
- p 83 ای طائف حول ضریح مطہر حدکی بخارا کہ بہ چنین موصیت
- p 85 رب یا قیوم الارض والسموات و مستقر المکنات والمہیط کل
- p 86 پاک یزدانا ایہ جمیع را شمع عالم کن و این انجمن را گلزار و گلشن
- p 88 ای زندہ بذکر حق حیات حقیقہ در این جہان ذکر یزدان و دران جہان
- p 88 ای آموزگار گناہ گنہکاران بنفش و خطاس تہہ کاران بیوش
- p 89 ای منجذب نفعات قدس ساعت صفت ارشاد است و این آوارہ
- p 91 جناب آعلی علیہ بواء اللہ خمد کہ در این کہ در اعظم بوشاطی یعو
- p 92 ای یاران من و یاوران من بانگ بانگ عمودیت است و جلوه جلوه رقیبت
- p 97 ای شمی ذبیح الہی صنامت در میدان قن باخی یا ایت افعل ما تو مر
- p 98 ای کیز یزدان ایود ہر یان تاج عوفان بر سر تو نہاد و تو را بر بانوہای عالم بوری

- این مه بانو بانوهای عالم اگر در آغاز چون مه تابان و پرتوی دارند ولی به انجام
- ۴۹۸ م این ناطق بگردد در این قوم الهی که در آفتاب در سینا سایر قرون اشعه اش
- ۴۹۹ م جناب آعلی اکبر از خدا می طلبیم که در ملکوت خلق اکبر باشند و در سعادت قبول
- ۵۰۰ م سبحانک اللهم یا الهی توانی تحت غالب صباح کاستر تا و برائن ذائب
- ۵۰۲ م ای ناظر الی الله در این یوم عظیم و قرون کریم که جمیع اشیاء به تسبیح
- ۵۰۴ م ای منیر نیرات بر چند قسم منقسم یکی چرمس مظلم و تاریک ولی
- ۵۰۵ م ای هزان نتود علوب در بازار جیوهیان خداوند در قرآن مجیدی فرماید
- ۵۰۸ م یا می استشرق من اتوار المیناق طوبی لک بما و حیت بعهد الله
- ۵۰۸ م صواقطبت امر الله بسیار لازم زیرا خفاشان در گوشه و کنار در پرواز
- ۵۰۹ م ای بنده جمال ابرهی مکاتیب شما واصل و بر مضمون اطلع یا فتم از الطاف
- ۵۱۱ م ای مؤمن به جمال بزوال و موقن به ظهور حضرت لایزال علیک بهاء الله
- ۵۱۲ م ای یارک الهی الیوم یوم اتحاد و اتفاق است
- ۵۱۵ م ای بهائیان ای ربانین سمس حقیقت اشراق بر شوق نمود هزاران فدائیان
- ۵۱۶ م ای یاران روحانی من خدا جمال قدیم را که بنام موقده رایتی استعلید
- ۵۱۷ م ای ناسر نفحات اخق و نبود چون به صبح خورانی از ملکوت ابرهی منور گشت
- ۵۱۸ م ای آیت رحمن همی قیوم چون سمس خرق حجاب غیوم فرمود
- ۵۱۹ م این دوستان الهی و یاران معنوی چشم بافق ابرهی بگشاید و توجه به ملاذ اعلی نماید
- ۵۲۰ م ای دوستان حضرت یزدان ایوه کور و دور را به قرون اولی قیاس نتوان نمود
- ۵۲۲ م ای یاران حقیقی مظاهر قدسیه و مشرق انوار رهانیه کف نقاب
- ۵۲۵ م ای دوستان حضرت یزدان وای طیبور خود پس ایقان وای سراپهای محفل امکان

- 127 p ای احمیای الهی و دوستان جمال رحمانی از فیوضات مقدسیه جمال قدم
 129 p یاصی بیت و نیت فی میثاق الله بانگ بانگ عبودیت است و عهد
 130 p ای سحر محبت الله صبح است و در وقت میثاق از آنجا که عهد بر شرق و غرب زده
 130 p ای نضیاط جماعه ای که بر اندام لیکل عالم موافق و موزون و بوازنده است
 131 p ای مستعل بنار موقده در سوره ربانیه از عنایت خاصه بحالقدم اینک در این قرن
 132 p ای بنده الهی خوشایه حال شما که (شام را به نفعه نوش) معطر نمودی
 133 p ای طائف مطاف ملا اعلی چون تأیید ملکوت
 134 p ای یاران وطن بحالقدم الحمد لله شما از مطلع سمن حقیقتید
 136 p ای یزدان من این جتایق نورانیه نعیم بازعه افق هدایتید
 137 p یا علی ایون نام به معنی بلند و مستقر از سمر و علو است لهذا به همین نام خطاب نمود
 138 p ای دوستان داستان سمن حقیقت چون از افق لامکان بوجریان امکان به اشعه
 140 p ای بنده الهی اگر چه صد هزار نعمه و اکسند در زوایای منجور این دستگیر مضر
 141 p ای یاران حقیقی و مستان جمال الهی چون طی قیوم به جمیع اسما و صفات و کمالات
 143 p ای احمیای الهی ایون جریان ترویج و خاکدان فانی آسین مرغ خاکست و لانه غنای
 145 p ای دوستان رحمانی هیچ میدانید که در چه کوری ببعوث شده اید
 147 p ای مستعل بنار محبت الله اگر بدانی بچه حالتی در چه انجمنی و به چه سان و قائم
 147 p یا حضرت علی قبل اکبر یوم شهادت حضرت اعلی روحی لدمه الا طهر خدا است
 149 p ای ضلای میثاق زینت عالم غیب و شهود و علویش شقائق وجود عبودیت حضرت ^{تصویر}
 149 p ای یاران روحانی عبداله الحمد لله صبح صدف ساطع و اشراق ملکوت الهی لامع
 151 p ای امام الزمخشری در این دم که قلم از کتف جولان خسته و انامل ناتوان گشته جناب این ابهر

- ای یاران روحانی من تسبیح و روز در یاد روی شما هستیم
- p152
- علیک الثناء و علیک البهاء و علیک التَّحیَّة من الجمال الالهی اُسَهدُ بِأَنَّکَ
- p153
- ای مرثیہ آیات در محافل نجات جناب آقا میرزا علی اکبر اللہ در نہایت عَوت
- p154
- ای سَمی اسم اعظم روی فدا لهذا الاسم الکریم و النبی العظیم و اللہ الیتیم
- p155
- ای خداوند بزرگوار ما کنه کاریم و تو عفو غفور آمرزگار نظر عنایت بگما
- p156
- ای سَمی حضرت مقصود صد هزار شکر رب و بود را که در یوم موعود فائز گشتی
- p156
- ای مبتلای صدمات و بلا در سبیل خدا از ظلم و طغیان فرعونیان در صدمات
- p157
- ای منجذب بنفصات الله از رویی که عزیمت آن سمیت کوی دائما بیاد تو بودم
- p158
- سای که در میان حضرت سید مبارک و جناب استاد علی اکبر *الخطیب المصنف* *to a kalam*
- ای بنده [درگاه؟] ملکوت در این دم که قلبم اینه مستان مستعل بنار محبت الله است
- p159
- ای اخیای روحانی و یاران حقیقی جمالتهم انوار عزت قدیمه بر آفاق اشراق نموده
- p160
- ای سرگشته سودائی مدنی است که از تو خبری نیست و اثری نه جناب آقا مهدی
- p161
- ای موقن بیوم قیام در یوم ظهور نفع صورتش و تقوی نور گشت
- p163
- ای منجذب نور حقیقت سراسلات رسید و معانی بدیعہ حاوی احساسات
- p163
- ای اردسیر در بیئه میثاق چون سیرتبان باس و در مذاق اهل اشراق شیر و شکر
- p164
- ای شمع نبوت در مجمع یاران و در عبور و مرور بوستان چنان آهنگی بنواز که مرغان
- p165
- ای عاشق جان نوا بلبل در مراسله این بیت مسطور غیر تسلیم و رنما کو چاره ای
- p166
- ای شمع مستعل انوار تقدیس از هر جهت در اشراق است و اسرار تو حید مشرق
- p167
- ای بنده شوق چه نگارم آنچه تقریر و تحریر شود اسرار قلوب تعبیر نگردد
- p167
- ای مستان جام اللغات یزدان دریای احسان حضرت یزدان پر موع است
- p168

- P 169 ای استاد آقا بر ایندم که بیاد حضرت دوست هدم و در کمال خضوع
- P 170 ای بندگان الهی در این ساخت مذکورید و در این انجمن معروف
- P 170 ای امة الله نامعات در این مقام وارد و ملاحظه گوید
- P 172 ای امة الله ای ورقه موقنه جناب معلم هوشمند مدتی فائز و غار بودید
- P 173 ای پاران حقیقی گویند که انسان آیت رحمن و انعم بخایش حضرت بزرگوار است
- P 175 ای بندگان حضرت دوست صبح است و انوار فیض عنایت از ملکوت
- P 176 یا سی اناجیه فی جنح الیالی و هو المنابی للناجی و ابتهلت الیه فی خلوات
- P 177 مولای مولای هو لاک عبیدک الخائفون حول عرش رحمتک اننا ظرون الی افق
- P 179 ای وریقات مهترات منجزات در این قیامت کبری میدانی ترتیب شد
- P 180 ای خدای رازدان خوش سخن تو آگاهی و گواهی که در هوسای و صبغاسی
- P 181 ای مؤمنان ای موقنان ای صادقان ای عاشقان حقوق حقیقت که دهرها
- P 182 ای عبد القادر حضرت قادر توانا چون نظری بر عبد نا توان اندازد
- P 183 ای امة الله سر قدرت بشاعده کن که به فضل و هوهبت جمال قدم زبان تاج
- P 184 ای طیب ای حبیب چرا به جان غمروسی و به دل و تن نکوشی
- P 185 ای خدمت تو مقبول و ای زحمت تو مشکور نظارات صندوق مقدسی نمودی
- P 186 ای بند و پروردگار ملاحظه تا حکمت بالغه الهی را که تو از مهد هندی و ما از سگان ^{در ایوان}
- P 186 ای یعقوب حضرت یوسف کنعان الهی هر چند به ظاهر اسیر چاه شد ولی به ملکوت
- P 187 ای خاک نرگه کبریا رجوعیت و اتوئیت به جان است نه به جسم به دل است نه به گلی
- P 188 یا سی انجذب فی فیض ملکوت الابرار از مواهب الهیه و فیوضات رحمانیه
- P 189 ای بندگان حضرت دوست در ظل سحرة ایسا در خود من اعلی در بساط هوهبت

- P190 ای سوره وکیل خدا کنید که در عهد و عصر مقدس جمال قدم در بساط وجود قدم
 P191 ای متوجه بملکوت ابرهی ندای جمال ابرهی از ملکوت غیب بهمان بزبان
 P192 ای طائف حول مطاف ملا ابرهی الحمد لله بفضل وجود مؤید بجزود در عقبه
 P193 ای یاران جمال ابرهی روی لکم الفداء چون بایه نام سیریه آغاز نیامیم کام شکریه
 ای وقاداران در عالم وجود نزد اهل سمیود وفا نور ساطع و شهاب لامع عالم انسانی است ۱۹۷ م
 P196 ای نظم آفاق ایران نظم بود و قسم است آفاقی و انقیسی سیاسی و الهی و هردو لازم و حلزوم
 P197 ای یار مهربان بزرگد آسمانی و طبیب رحمانی درهای سفاغانه بزدان باز نمود
 P198 ای ناطق به فصاحت و عطف و بند چون از دهان یاران الهی صدور یابد
 P199 ای بنده حق صبیح است و آفتاب امکان پرتو مهر خاوری روشن
 P200 یا ای آسمی بالله و صدق بکلماته آنچه در عرصه وجود است عاقبت فانی
 P201 ای بنده الهی هست ز سب و روز بر نصرت او حضرت احدیست
 P201 ای ناطق بذكر حق چسی بگما که بجایات نور را کشف نماید و سر عالم وجود را
 P202 ای سیدای جمال الهی مدتی است بتوجیزی تنگاستیم ای در عالم قلب هردمی بیاد تو
 P203 ای بواد در عالم وجود صفت بود سلطنتی در کمال عظمت میراند
 P203 یا می استیبر بظهور المیساق قد انتصب خبأ المجد علی اعلی قلل الاتاق
 P204 ای اماء رهمن بادهای مخالف سمع و ایمان را احاطه کرده و طیور غرور عندیست
 P205 ای منبذبان جمال ابرهی در صفت قلب بجزو عبیت یاران بر موج و هیجان
 P210 هذا تغسل بارد و شراب فیض الالهی و التجملی الرحمانی و الروح البردانی
 P211 نغمه شراب نار موقده ربا نیه مغرغ قلب بود

- 10
- p212 یا من تمک بالعروة الوثقی شدو کن علی قہیم را کہ از کاس تسیم نو سیدی
- p213 ای مستبّر ببارات اللہ نسیم لطیفی بیون بر جسم ضعیفی مرور نماید
- p213 ای جان پاک و آزادی در انقطاع از ماسوی اللہ اسحت و تثبیت بعهد و میثاق
- p214 ای تمک بعروہاً و وثقی جمیع ملأ اعلی از ملکوت الہی نگرانند و از حیرت
- p215 ای متفرع الی اللہ نفوسی کہ در تحت میثاق نیز اعظم آفاق داخل و بعروہ الوثقی
*discusses political situation in Iran 216-219
 monarchists vs. constitutionalists (?), condemns those seeking overthrow
 at the monarchy*
- p219 ای دوستان الہی در انجیل جلیل مذکور کہ روزی بعضی از یہودیان
*also about obedience to the government, as in Christ's
 statement, render unto Caesar*
- p220 ای سرست بادہ روحانی ساقی گلرخ میثاق بزم فرخی آراستہ
- p221 ای عاشق روی بہا گویند بیون ابواہیم خلیل را در آفتاب سیر انداختند
- p222 ای متوجہ الی اللہ خوشا بہ حال تو کہ بہ جبل عنایت تشبیب نمودی و بعروہ و وثقی تمک لطیف
- p222 ای مقبلان ای مقبولان درگاہ الہی در ظل کلمہ توحید در آئید و از بادہ تجرید بترسید
- p223 ای بی سرو سامان عبد البہا گمگتہ را عشق است و تو سرگردان در عالم امکان
- p223 ای ثابت ثابت از تأییدات خاصہ ہما تقدم و اسم اعظم روحی لاجبائہ الفدا
- p225 ای بندہ الہی ہر ضریکہ در امر اللہ بصیر است چشمن روشن و دیدہ او بینا
- p225 ای اقبال عبد البہا شمع روشن است و نور میثاق شامد انجمن
For Navaghi?
- p226 ای رفیق حقیقی ساد باش کہ در تحت خیم عزت قدیمہ منزل نمودی
- p227 ای حبیب قدیم و مونس دیرین آنچه مرقوم نموده بودید بہ کمال انبساط
- p227 ای بندہ بہا ای محمد باقر اطفال وارد بیستان الہی داخل کن

- ای بنده حضرت دوست دست به دامن میثاق فدک و به محبت الله شهیده آفاق شود. p228
- ای بنده برها شکایت از انقطاع مائده روحانی نموده بودی که یک سال است. p229
- ای عباس ای همنام یا ابوی رفاعت کوریم مارا جریه موایب و بیکر فرماید. p230
- ای عبدالحبیب جانم فدای تو اگر چه عبدی ولی شهریار کسور و جدانی. p230
- ای عندلیب گلشن ابروی چون روحانیان حفل طرب آراند. p231
- ای پروردگار این دوستانه را در بوستان عنایت و گلستان موهبت. p232
- ای متمک بعروفاً و نفی اثر برانی که به چه لحاظ عنایتی ملحوظی و به چه الطافی. p233
- ای منجذب بنفحات الله سدمدنی که با تو گفت و شنیدی نگریده ام. p235
- ای متبیت بذیل عنایت ناظر به تراست و فضل و موهبت شامل تو. p238
- ای ورقه موقنه منجذبه حمدکی حق قیوم را که در یوم اشراق نیز آفاق به شرف. p239
- ای بنده الهی ندایت باستان مقدس حضرت احدیت واصل و آه و فغان. p239
- ای ثابت راسخ نندۀ قوسی که از ریاض دل آن مفتون جمال ابروی نشر شده بود. p241
- ای دوستان ثابتان بر عهد و پیمان صد بشارت که قوه جتیه ملکوت. p242
- بنت حاجی محمد باقی ... ای ربابه صد هزار شکر نما که در این عهد مبارک. p243
- ای امة الله ترمه به ملکوت صدق ابروی نما و بگو ای مقصود من فی الوجود. p244
- ای منجذب به نفحات حق صبح است و هر نفسی در هوس. p244
- یا من انجذب بنفحات ریاض الميثاق تالله الحق ان بشار المذ الأعلى. p246
- الت کریمه والعقله الجلیله الست هرست المحترمة علیها بهاء الله. p247
- ای بنده ملکوت ابروی اگر چه مدنی است که [فرصت] مکاتبه نمودیم. p248
- ای دوستان الهی یارک حقیقی لله الحمد در آستان مقدس جمال ابروی کل مقبول. p249

p250 ای محبت برها نور حقیقت چون در زجا حقه اعدیت

p252 ای بنده الهی تا چند در بند این عالم با سیم

p252 ای بنده الهی علو و سمو بسیاری امر تصویری اعتباری است بلکه نبی

p253 ای مظهر و ضل عدل اعطاء کل ذی حق حقه است
جناب میرزا فضل الله
For

p253 ای مهدی بنور هدی نار هدایت در ذروه طور بر افروخت

p253 ای شاه ولی الطینت کوهین بندگی جمال قدم است و شهریار یاقوت و پهلان

p254 ای ناظر به ملکوت الهی چون درایی عصر جدید
mentions

جناب ابو القاسم شیخ حسین محمد حسین

p255 ای یار حقیقی جناب آقا سید محمد علیهم بهاء الله حاضر و شواهدی نگاشتی این ورقه

p255 ای کینیزان یزدان بلا نظر کنید که وصل و عنایت جمال قدم چه کرده

p256 ای امام زین سلطان طبعی امام شویش را چنان بگشایی فرمود

p257 ای یار اندوین و درستان ثابت مستقیم حضرت استغیبار شهد شهادت

p258 ای شیدای جمال قدم اسمت قائم رسمت راسخ حقیقت ثابت

p259 ای دو برادر چون دو کویک و بیک در افاق محبت الله بفضله خدا چون غرقان تابا

p259 ای صوفی مصائب شریده این مصیبت وارد

p260 ای منشی ناشی خورشید بی که ... شدی و مبارک ساعتی که تاج محبت نام اعظم

p261 در دنیا یا دارا نفوس و استغاثی بر حق قسم منقسم گشته اند قسی ظالم علی نفعه

p263 ای منجذب یا نوار جمال دوستان الهی وارد

p264 محل اعظم امور نشر نوحیات الله است و نبوت بر عهد و میثاق الله

- 264 این بنده درگاه حضرت احدیت الان دوستان ریحانی و یاران روحانی
- 265 یا من استعمل بالبنار الموقد، رایت ریحانی است که بلند در آسمان است
- 266 ای یار قدیم و مونس و ندیم این خدین مدتی بود که غیر تشریف فرمائی
- 267 ای دو برادر آن روح مجتهد آن جان پاک رویه افلاک کرد
- 268 ای متوجه به طهران ملکوت الان در کنار دریاچه طبرستان است
- 269 ای مستغرق در بحر عرفان جمال ذوالجلال در صیقل مکرم کشف نقاب فرمود
- 270 ای سعله افروخته محبت الله ناله تو جانسوز بود و آه و اخفانت آتش روز
- 271 ای مستفیض از فیض ملکوت ابدی منقح سحاب نیسانی اگر چه دشت
- 272 ای دوستان راستان در هر عهد و عصر که انوار بر دانی افق امکان روشن
- 273 ای دو آیت هدایت شکایت از هجران نباید کرد محامدات از حرمان باید داشت
- 274 ای یاران الهی جمال قدم و اسم اعظم باید بیضائی از صلیح و صفای در این عالم
- 275 ای دوستان الهی هنگام تضرع و ابتهاج است و وقت تذلل
- 276 ای طافت حول صفات ملائکه اعلی از اعظم مواهب الهیه
- 277 ایها الفروع الکریم من الدرر المبارکة آنچه مرقوم نموده بودید ملحوظ گردید
- 284 ایها الفروع الرفیع من الدرر المبارکة الحقیقة بلیة شدیدة بر آفتاب
- 285 آنچه سبب حزن کلی شد و هم گریان و قلب سوزان گردید قضیه مبعود فرج جلیل است
- 286 یا من تحمل کلمة مسمیة فی سبیل الله حضرت اسم اعظم در این نسبت آدم
- 292 در هندوستان بعضی از درندگان به جوش آمدند و ولوله و خروش افکندند در خصوص اعانت ارض مقبره بهر صورت مرقوم شد

293 یا من استقام فی امر الله شوقاً بما ل تو که در امر الله استقامت نمودی

293 یا من تمسک بالعروة الوثقى التى لا انفصام لها حمدی که بندار را

294 در خصوص قاتل حضرت شهریار مشهور جناب صدراست عظمی

295 مکانیست بموقت را برسانید از جمله وکتوب جناب نیکل مسافر یعنی حاجی محمد باقر همدانی است

295 یا من مسافر من الله الی الله انی لا تأخى رشی الایمینی فی کل صباح و مساء
Maslahat-e-Yusuf Mahdi Valadi

296 ای مصطفی بنار هو قدی و بانیه حمدی که از نوادی ایمنی بقعه مبارکه

297 ای دوستان الهی الحمد لله که نسیم سگبار و نسیم عنبر بنار از حدائق

298 ای آقا عبد الرؤف اگر چه از اقترای مفتخرین قدری ضوضاء
Hajji Ahmad Milani, ibn Muhammad Ali, Tanjavi

299 ای موقن آیات الله الیوم اعظم امور و اصم مواد نبوت بر عهد

22 Muharram 1316 / 12 June 1898
to Egypt, Ibn-i Hadrat, Ism Allahi and Sayyid Has

301 ای رصیع ندی عنایت هر چند مسافرت نمودی و از دیدن جهان بخائی

301 ای دنا بیت بر سینه ای حمدی که تابک عهدی و راسخ پیمان
Sayyid Farajullah
Safar 1316
Hajji Mirza Hasan

302 ای رفیق دیرینه مدتی ایست که رفیق خویش را فراموش نمودی

Egypt, Abd al-Karim, Tanjavi

302 یا من استسوق رائحة ریاض موهبه الله چه نظام که قائم مهرم از گوشت

303 ای هو سندا از بلند سمندی در میدان لاهوتیان بران و گوشت دیرین

304 یامی استقی من صیغ الحیات ان قافلة المکوت قد طعنت
Mirza 'Ali Khan Tabib

304 ای ناظم لثالی معانی نظمت چون عقد شیرا در این سما

305 ای زهال بیهمال گلستان جان فانی

306 ای تاسر نفحاته الله ندای ملا اعلی مخاطب به شامی دری بلند است

307 ای مرتز از نسیم غیر گلشن الهی چون نافه سکن جان بگانی مقام روحانیان
TABRIZ, to Muhammad Hasan

308 ای یاسبان آستان شیر و آسمانی آنچه نگاشته بودی خوانده
To: Yazd Mr. Khodādād pur Jamshid

309 ای شکر نغمه مشکبار بر اقطار سارگی و نسیم جان پرور از مهت غنایت
To: Yazd Ardeshir Jamshid

311 اوست زوسن و تان جانیش زوسن یاد
To Yazd Mehtarushid Jamshid

311 ای بنده الهی این رحمت بزدان بر تو سایه انداخت و در و کله
To Yazd - Mehrban pur Khodādād

312 ای بهرام سپهر بلند ستاره شناسان گویند به درونم اختر جنگ جویت

313 ای بنده حال قدم زبان به شکرانه اسم اعظم بگ که موفق جزایرت عینه متدسه

315 جان تیک بخیل المیثاق ذکری از سرکار خان غوره بودید نغز خدیسی بود

316 ای قائل قصیده فریده عرأء و قابل فیض قدیم جمال الهی اجنت

317 ای شنه درگاه جمال مبارک مدعی مسود که از شما ملتوی نویسد

318 ای بنده جمال قدم جناب سلیل وارد ولایات نمودیم

319 الهی الهی دعا بخت المصائب و توالت النوائب و استه اجزان الاطباء

- ای یاران حق و دوستان مجال ابھی جناب ابرہہ ہر دم بیادش ^{مستقول} 320 م
- یا من تمک بذیل الميثاق در این عهد کہ انوار محمد شرق و غرب را 322 م
- الہی الہی انت الذی احييت قلوب الابرار بنسبات اسرار صباح الميثاق 324
- اندریا الہی اتقرب الیک بعیني و فقری و ذلی و مسکني و احوال ربنا رب 325 م
- ای دوستان حقیقی مجال قدم انوار ملکوت ابھی آفاق غمرا را روضہ نمودہ 330
- الحمد لله الذی ایدکوا العظیم بالميثاق الشدید و مخلص ظهوره الجلیل 331
- ای حبیب انوار توحید و اشراق تفرید شرق و غرب را روضہ نمودہ 332
- یا من سنی بفضل الحق افاض الله عليك سحاب الفضل و العطاء 335
- الہی تعالیت بظرف نورک الاعظم فی آفاق آیاتک و تعزرت بمجال اسرک 337
- ای ہر آفتاب روی حق دوستان را مہمانی باید و مجمعی سایہ کردان مجامع 338
- ربنا ایز هذا اذبحہ علی رمانا و اشرہمہ نغمات القدس فی الاثواب و بیت ہد 344
- و توف عباد المضرخہ بعرہ یبیک المظفرین الیک علی الایجاد و الایاز 350
- ای حضرت احدیثہ یونانہ محمودہ دلجویی است و مہربان نموشناسان 351
- یا ائبناہ اللہ لولا انک تاللا للاق ان الیسویں قد کورت 352
- اللہم یا الہی و سیدی و مہربودسی انک لتعلم خیر و نعلتی و نورت 353
- الہی تو بینا و اقادہ کہ ملجای و نیای جز تو نہ تہ و بلویم 354
- یا کہ بودا نا جمعہ پریشان تو بیگانہ ایم خویشان تو 357
- ای اہل جاہ مجال رہی جمعی حاضر و ہیضرت زینہ المعقوبیہ نیز ناصر 360
- ای نور لب ہر لبی کہ در ستایش و بیانی خدایند آفرینش بجنس آید 361
- ای ایضا اللہ تو یادگار متع اعطی و بازماندہ آن روح معقم 363

374 ای لبراضی ستمی غلیل رب رحیم صمنام تو چون در سینه آسمان زلف تو

376 ای کلمتت بادیه بیجا اگر سخن باد بادیه بیمائی و بی از عالم الهی بر میست

383 یا احیاء الله واصفائه ومنجدی نجاته اگو قدری تفکر نمایند و در حقیقت

384 الحمد لله الذي جعل بنور جماله وكشف الغطاء عن وجه غره جلاله

385 یا ایها المنید - هم نغمات زهبت من ریاضی معرفت الله المسترته من انوار

386 الهی الهی هذا عبدك الذي قضى (أجابه حائما بی هداء الاستیاق الرضایی بیداء

387 قال الله سبحانه وتعالى في كتابه الحكيم يوم يقوم الناس لرب العالمين

388 ای شوك محبت الله حضرت ابی الفضائل را نه چنان حسن تومنه و غوط محبت

389 نور صدى تا بان شده - طور تقي در میان شده
صفا بجان پویان شده - کهار سیتا آمده

392 هذا لي خلق بحقيقه نورانيه و شعوريه رحيانيه و كينونه روحانيه

393 قال الله تبارك وتعالى حتى اذا بلغ نصف الشمس فوجدها

397 الهی الهی تری فقری و ناقبی و حرقی و شدتی لوعای و سورا غلای

398 یا ایها المتوجه الی ملكوت الوجود والمنتسب بذیل رداء العظمة فی حیز الوجود

400 سبحان من اشاء الوجود و ابعث كل موجود و بعث المخلصين مقاما محمدا و اظهر الغيب

404 تسبح روكن استه و انجمن روحانیان گلزار و گلشن نفحات قدس منتشر است

407 کیم که بود رگاه ده در بیان اولور کشور جان و دله سلطان اولور

POEM IN TURKISH

408 ای دوستان الهی و یاران معنوی خداوند عالمیان هر قرآن حکیم می خوانید

412 انوار حق روشن نیده - در پای حق جو سگان شده
وجه هدی تابان نیده - لحافشها پنهان شده

(18)

414

اسی مہر آں تمناں مجہم وفا

415

اسی اجنبای الہی کوکب امیر اللہ در معین اناق بہ طاعی ساطع لاسع

هوالله

ای یاران حقیقی الواح مسطوره و اوراق منشوره و اسما،
مذکوره کل بیقعد مبارکه و اصله را حفظه کردید و مسموع
شد و مضامین دلنشین معلوم و مفهوم گشت حمد
خدا را که بفضل و موهبت جمال قدم روحی لأحبائه الفداء
عبادی و ذلیل لواء میثاق محشور کشته که از نجات ریاض
فلویشان آفاق معطر و از انوار وجودشان انلیم اشراق نور
مظاهر الطاف حتی ندیدند و مطالع ائادینبا عظیم مشارق
نجوم هدایتند و مطالع رموز عنایت نسائم حدائق
توحیدند و در اوج جنان تجرید جبال را حاضر عهد و پیمانند
و منابع جاریه و جد و ایقان اشجار شمر و دروس ایمانند

و طایورندس ایکه عرفان سرچ نورانیته انجن اسرارند
و هیاکل تقدیس محفل ابرار مؤید جنود سلکون ای هستند
و موقی بالانکه ملا اعلی ای دوستان جمال ابھی وای
یاران حضرت کبریا لسان بشکرانه این موهبت کبریگشا^{ند}
و حضرت احدیت را بستاید که مظہر فضل و جود شدید
و محشور در زمره اہل سجود کر خدمت بریندید و در
جوق ملائکہ ملکوت احدیت داخل گردید تا در ساحل
بحر اعظم حیدر ماہیان لب تشکر بحر بیان نمایند و
در تبر و حدیث شکار آہوان چمنستان حقیقت نمایند
تا بیون و عنایت حضرت احدیت جمیع ملل را در ظل کلمہ
و حدیث درارید تا نفعات لطیفہ شرق و غرب با احاطہ
نماید و انجذابات رحمتہ حیرانمان را بحر کثرت اسرار کرد
مقدس ظاہر کرد و آثار و در اسم اعظم باہر شود حدیث
کہان باہر کرد و روضہ امکان میوہ تر بار آورد شمع

مشغول ننمایند چه که اضعاف اعلام است و مقالات ^{نیا} اصیبا
 از نابین بگویند و سیل اسخین بپویند از برای خو ^{صحت}
 سالما باز کوحالی از ان خوشا لهاع هو ^{کاهی}
 یا من تثبت بالعوق الوثقی خوشا بحال حفائی که در محفل
 قلی دیده را بمشاهده انوار جمال بزوال روشن نمودند ^{شیا}
 بحال نفوسی که در بزم السن از جام عهد سرمست شدند
 و خوشا بحال کوشیکندای الهی را از شجره میثاق استماع نمود
 و فرخنده طالعی که در ظل شجره انبیا حاضر شد و مبارک
 رخ که پیر تو افتاب عهد بر افروخت و ای همایون دلی که بنار
 محبت الله در سدره طور بسوخت و ای سعادت ^{مستمند}
 کبکتر اعظم پی برد ای پروردگار بتو امید دارم و از غیر تو
 بناید حجاب بند و اوراق بشهات را بی اثر کن و ^{شیر}
 پر شرمزما یوسف مدیق را از بر عمیق برار و از قرحا به با ^{ما}
 رسان و از دست تجاوز لبی و نایان بخت بخش

غیر خوبی جو یہ یوسف چلیٹ پس مکتوب سنا اور
و مضمون چون شہد فائق و رؤیا صادق و صاحب دیا
عشریب برہر ناقص میثاق غالب ع ہوا ابھی
جناب آسدا تہ از خدا بخواہ کہ چون اسد ضاری و ہزبر
جری در میدان معرفت اللہ نرہ زنی غرہ کن شیر داری
نارودن غرہ نا ہفتم طبق جمع اولاد و اطفال و
منقبین را از قبل این عبد تکبیر ابدع الہی ابارغ فرمایند
جمع ذکر بزرگ جمع مشغولیم ہوا ابھی

ای شمع از روشن عشق الہی چون پیر صومعہ محبت اللہ جان و
مال و اہل و منال را کلا در بسیل خدا اندامود و برد جان
فشانی باخت و چون شیر دین باقوت جوان در میدان
قرمان باخت نا انکہ در ملکوت ابھی و جبروت اعلیٰ عالم
قسم بحال بسین کہ مالا اعلیٰ بوجہ غیرش مستبشر شدند و
در عرش کبریا جالس میکنند و لیث در ان انھن روشن و

منور است و بوی خوش در شام اهل فردوس بقا
منشر بندای یالیت قوی معلومند میفرماید شما
باید کاران در حج مجربید و انوار آن ماه منور پس باید شکر کنید
که باین فعلی عظیم تا نزید و با طوار و احوالی قیام نمایند
که در آخر رجم ازان استشام شود و هر نفسی مشاهده کنید
که در آن حرکت نالایقی دارد و یا در آخر غیر تقدیس از او
استشام میشود البتة فوراً احتراز نمایند و تجنب کنید
زیراً خدا را الله و در تضرب با آنست چه که نفوس پیدا شده اند
که اسیر نفس دھوی هستند و نام حق بر زبان میرانند این
نفوس در امر الله از تم کشنده بدترین بسیار احتیاط
لازم است و البھاء علیکم ع ہوا انھی

یا من تمسك بالعروة الوثقی انچه مردم فرموده بود مید
ملاحظه کردید. نفس خوشی از ویاض معاینش استشام
چرا که در دلالت بر ثبوت و در سوخ بر میثاق الهی چون بنیاد

مرصوم بود و لثلاث ينبغي هذا المقام العظيم وكل وجه
يتصني هذا التورالين ثم باسم اعظم روجي لأجابه
الثابتين فداكه اليوم مقاحي اعظم از شوث و رسوخ بر
ایمان و پیمان الهی نبوده و نیست این نفوس ثابت مؤید بخود
ملکوت الهی هستند و این هیما کل مقدسه مؤید بار اعلی
این امر عظیم و صراط مستقیم را العینان و افشان شدید
پی بقسمیکه جبال را سحر منزل کرد و اشجار معرفه
منقرشود در لوح فشر در سنتر شداد و شدادش
مذکور هینئالمن ثبت و رسخت فدا ماه علی الصراط
البترا اجناب شب و روز در تثبیت قلوب بکوشید
و اگر چنانچه تفر و لو بسیار خفیف ترزل از نفس راقین
عابرین استقام نماید اجبارا منع از معاشرت کنید

مغرسه

عبدالهادی عباس مولای بهی

نی محمود رحمتنا لله قومی از باده خالاری پر نشسته

لکن در بامداد در خمار و فتورند حزین از خمر غرور میخورند
 عاقبت مجزور و محجور میگردند جمعی از صمیمیای محبت الله در
 شور و نشورند و از باده معرفت الله در سرور و جهور
 این نشور نشو باقی است و این سرور و شادمانی از دور
 در حدائق الهیه پس اگر سرور باید از آب کشف نشاید
 و اگر سرور نشور مطلوب از خمر الهی باده رحمانی مطلوب و
 مقبول آنچه در سخناننداری نشکند صفرای عشق
 زان شراب معنوی ساقی همی بجزی بیار جمع نفوس را و صیقل
 نماید که با وجود آنکه جام باقی و خمر الهی میسر هیچ فخر زانیکی
 باین آب فانی منتن میل مینماید لا والله عبد الله عباس
 هو الابی
 یا من ادخره الله لحفظ الیسا
 بانک بانک میثاق است و نور شعله اشراق شمع روشن
 و حامد و ستایش حال قدم شامد مرعین ندای سبند
 و بیان الهی در آن بزم از دست بدست انوار حقیقت چون

مه تابان عنایت در سریان شمع هدای روشنی است
 و غیرت با پر تو بخش کلزار و چمن روح القدس قوه نماید
 و روح الامین مبتین معنی کتاب مجید فصل خطاب
 عنوان کتاب است ورق منشور صفحه لوح محفوظ است
 کتاب تکوینت که مبتین کتاب مبین است پس کوشش باز
 نماید تا اسرار ملکوتی بشنود و انوار رفیع اعلی ^{هدهد}
 نماید تا اسرار ماکوت ^{بھی} بشنود و انوار رفیع اعلی مشاهده
 نماید جمال قدم واسم اعظم روحی لایزال مرقد الفداء
 هر چند از افق امکان غروب فرمود و از مطلع این جهان
 افول نمود و همچنان غیب مشتافت ولی فیض ^ش مستمرا
 و ما فیضش منهر باب رحمتش منتوح است و کاس
 عنایتش با تو شجر مبارک کاش بارور است و بقعه مقدس
 پراز حدائق پرثمر روح القدس نعتین مینماید و جبرئیل
 امینش ^{باید} میکند برای ایران دل بالغانش بندید

دچشم بعنايتش بکشائيد مجود نکرديد محزون مشواید
 اميد است که در جميع محافل که مؤانس حضرت ابن اهريرد
 صحابيد بتابد وانوار الطاف از ملکوت اهريرد رخسار
 هوای بهی ای بلند همت بلندی همت
 ميزانی وسه و مقصد و ابرهانی عقاب و ج عزت در شای
 خاکدان فانی ذلت لاند و آشیانه نماید هفتک بحر الهی در
 امکان منزل نگیرد و غضنفر نیستان دیانی در بیشتر هوسهای
 اوهام و ماوی نگیرد باری اگر باز بلند پرواز این اوجی صید
 مرغان چمن کن و اگر شهسوار مردان کن این میدان جولانی نما
 والاعلی قول سعدی بنشین و توصیف پیش گیر دنبال کار
 خویش گیر و البها علیک ع
 ایها الفرع الکریم من سدرة السیناء قد قضت الشهور بال
 مضت الاحقاب والذخوز ولم یرد برید السرد و محو
 بصر من ذلک البحیب المسکور هل الا نلام جفت ام العصف

طويته ام الأيدي احرث بعدما فذمت ام النجوم^{المنشور}
 كلا ان الارض لزلزلت وان السماء افلحت والأمتان
 اشترت وافشانات سنة الشداد نعاقت و
 الجبال نسفت والزواج اتمعت والأشجار انفعت
 انك انت ايتها الفرع الكريم ثبتت القدم على هذا الصرا
 المستقيم واسلك في هذا النهج القويم وتبغى السفر
 القديم الاوح المحفوظ والرق المنشور كتاب الأندلس
 والصحف المنسوخة بالله الحق انه لصرار السوى ثم
 انظر الى شرح آياته التي شرحها بيد العظمة والأقدار
 في كتابه مد الله العزيز الجبار من دون حجاب سواد
 لعرك فذكر كوا المنصوص بهدموا البنيان الرصون
 وتمسكوا بالشبهات واهما والأيام المحكات و
 احتجبوا بالاورهام وغفناوا عن العزيز العالم قسوف
 تريم في كرب عظيمه هو الأبهى

ای فرخ کریم وقت آنست که چون سیف شاه کردی
 و شهاب ثاقب چون علم بین از نسیم مهت عنایت
 بحرکت آبی وقت سکوت نیست و زمان سکون
 فرصت از دست مده و ماهی از شصت من نار هو
 شو ویران موصد ناطق باش ناخجل یا ستو کردی
 و رطب ناطق بار آوری بجهت امر و زلف و شری
 ناشمع شب افز و ز کردی و شعله پرده سوز پرده ارها
 انام بدر و آفت انعام باش باسم اعظم کورهار اسیان کن
 و کرمهار اشنوا و مردهار احیا ایام در گذر است و
 ملکوت مستمر مابنده استائیم و دربان و پاسبان
 بیدار باید بود همیشا باید ز نیست تو در حق من دعا
 کن تا از هر بندی رها کردم و بخدمت عشرت علیا مو
 و بجانغشانی مؤید سر بر قدم خجالت دارم و از خود
 شکایت خواهم باری تو فرزانه باش و از هر قیدی آزاده